

انقلاب کلتوری و فرهنگی چین !

رشاد - مصطفی سلطانی

خرداد ماه ۱۳۹۵ (مای ۲۰۱۶)



مهاکمه‌ی خانم جیانگ چینگ، همسر مائوتسه‌تونگ در دادگاه.

مائو: قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون می‌آید !

انقلاب سال ۱۹۴۹ میلادی برهبری حزب کمونیست و شخص مائو در کشور چین که تا پود روستائی داشت تحول عظیمی بوجود آورد. دکترین مائو بر اساس تز سه جهان تفسیر و ترجمه می گردید . رویونیوزم در شوروی، مراحل دگردیسی خویش را با سرعت می پیمود . در صد چشمگیری از انقلابیون و آزادیخواهان جهان از این قطب باصطلاح کمونیست منزجر و روی بر تافته و ، بسوی دکترین مائو سمت گیری کرده بودند . اگرچپ سنتی و کلاسیک ایران ، بسوی دکترین مائو علایق و سمت وسوئی داشته‌اند، حقیقتاً گناه و جرمی مرتکب نشده‌اند . آثار مائو، در اکادیمیای پکن که صدها زبان شناس و مترجم توانا در اختیار داشت ، یکی پس از دیگری بزبان های متفاوت ترجمه میگردد . ترجمه‌های فارسی آثار مائو در محافل چپ کلاسیک ودانشجویی خصوصاً در تهران، مشتاقان زیادی داشت . و این کتاب ها ، از دیدگاه و ارزیابی "ساواک " سیستم شاهنشاهی را بطور جدی تهدید می نمود و ، همیشه در

تعقیب ها و اسارت دانشجویان و آزادیخواهان ، از مدارک قاچاق و خطرناک بشمار می آمدند. طرفداران کتاب های اندیشمندان دیگر مانند: مارکس، کیم ایل سونگ، انگلس ، لنین ، بوردیگا، تروتسکی، انورخوجه ، پلخانوف، برلینگوئر ، هوشی مین ، چه گوارا، چوئن لای و زینویف کم نبودند . اما گرایش بسوی کتاب های مائو باتوخه به ساختار زیربنائی و روبنائی جامعه ایران جاذبهی خاصی داشت . حزب کمونیست چین ، در پروسه تبلیغات و بزرگنمائی کم نیارود . در واقع شکست ها و افتضاح های حزب کمونیست شوروی ، که در سال ۱۹۱۷ میلادی هژمونی سیاسی را کسب کرده بودند و، می خواستند " سوسیالیزم " را در جامعه ای که حقیقتاً بافت کارگری ضعیفی داشت پیاده کنند ، بستر مناسبی برای مقبولیت حزب کمونیست چین گردید . همزمان دول امپریالیسی با تمام قدرت در صدد بشکست کشانیدن رژیم نو پای شوروی بوده و، در واقع بنحوی در محاصره و تنگنای اقتصادی اسیرش کرده بودند . حزب کمونیست چین در ساختار جامعه ، چنان نفوذ و تسلطی یافته بود که، پرستش حزب داشت بصورت روالی عادی و کلتور جا افتاده ای در می آمد . اما برنامه ها و پروژه های حزبی موفق نبوده و، به رشد و شکوفائی جامعه ی چین کمک چندانی نکردند . مائو انسانی آگاه، تاریخدان ، خردمند و قدرت فوق العاده عظیمی در بسیج توده ها داشت . تقریباً بعد از شانزده سال دریافت، می باید برای مبارزه با مخالفین و دگراندیشان ، باتاکتیک تازه ای آنها را از میدان دور سازد . لذا با مطرح کردن انقلاب کلتوری و فرهنگی ، که از مسیر و کانال وحشتناکی عبور کرد، افکار عمومی جهان و ناراضیان چینی را خلع سلاح نمود . در سال ۱۹۶۶ میلادی و احتمالاً زود تر زمینه ها و تدارک این جنبش چیده شده بود . براینده انقلاب کلتوری بر روی چهار ستون تکیه داشت : ۱- افکار و ایین قدیمی ۲- سنتهای کهن و دیرین ۳- عادات و رسوم دیر پای مردم ۴- فرهنگ باستانی و پایدار . نقاط ضعف این پلاتفورم ، نوسان و جلوه های متفاوتی داشت . شدیداً حزب توصیه میکرد ، که مسیر صحیح را می باید از رنجبران سختکوش یاد گرفت . گاردهای سرخ بازوی توانمند انقلاب لقب گرفته بودند ، اما در پراکتیک به ابزار سرکوب استحاله یافته و، توده های مردم را زیر فشار گذاشته بودند . در دوران این جنبش فرهنگی و کلتوری ، استدلال و اقناع ، جای خویش را به تحکم آمرانه، کج اندیشی و تحجر داده بود و، می بایست آحاد مردم به حزب کمونیست و رهبریش وفادار باشند . پدیده سانسور دولتی و پنهان کاری موزیانه، و دوری از شفافیت سیاسی که سالیانی بود در جوامع غرب مختصات، جایگاه و ارزشی نداشتند، در چین جا افتاده بودند و،

تأثیرات و انعکاس این پدیده در خاورمیانه مشاهده می گردید. اکنون در کشورهای نپال، سریلانکا، بوتان، هند، فیلی پین، کلمبیا، انگولا، نامیبیا و اکوادور احزاب طرفدار خط مشی مائو فعالیت می کنند. برچسب های ملاک، دشمن حزب، خائن، دشمن مردم القابی حاضر و آماده در دسترس گارد سرخ قرار گرفت که بر پیشانی دگراندیشان کوبیده می شد. ستاتوس و اعتبار دبیران، آموزگاران و اساتید دانشگاه ها، بشیوه ای دردناک زیر ساطور و منگنه های گارد سرخ قرار گرفت. در زمان جنبش فرهنگی دروازه های دانشگاه ها برای مدتی بسته شدند و، دانشگاهیان با پرنسینب، در برابر برچسب های کذائی و مضمئزکننده، باج سنگینی را پرداخت کردند. زحمات کمر شکن و پر مشقت معلمان در سطحی بود که می بایست یک جوان پانزده ساله ی چینی دوهزار سمبول و نیشانه ی الفبائی را بشناسد و یاد بگیرد. طیف میلیونی و بی نهایت وسیع دانش آموزان را بمیدان کشیده و فرصت و مجال تاریخی یافتند تا، نسبت به آموزگاران اوج گستاخی و شقاوت نشان دهند. روند مبارزات دانش آموزان از کانال "انارشیزم و انتقام" می گذشت. تعداد دانش آموزانی که در قتل اساتید و آموزگاران با پرنسینب، شریف و بیگناه محاکمه شدند قطره در برابر دریا بود. بعد از مرگ مائو نمایندگان فکریش را به دادگاه های ایالات کشیده و عنوان باند "تبهکار چهار نفره" را به آنها دادند. از خانم جیانگ چینگ همسر مائو در دادگاه های فرمایشی اعتراف گرفته و ایشان بی محابا خطاب به ماسمیدیا گفت: بخاطر همسرش، ایده ها و دستورات مائو اسیر شده و قربانی می گردد* جامعه شناسان و متفکران مارکسیست، با گذشت فراوان، این جنبش فرهنگی را فاجعه ای در تاریخ ذکر می کنند.*

انقلابیون جهان که تفسیر لوزیک و منطقی از مارکسیزم دارند این نهضت کلتوری را مشحون، از اشتباهات، کج روی، لغزش ها و بی عدالتی ارزیابی می نمایند.* حزب کمونیست چین در کنفرانسها، سمپوزیوم ها و کنگره هایش، در مورد انعکاس و پیامدهای این رویداد و حرکت اجتماعی که در واقع با مبانی مارکسیزم بیگانه بود، مطلقاً سکوت کرده است. و جزیره ی هونگ کونگ که پس از سالیان طولانی به چین مسترد گردیده، اکنون با نظام و سیستم حکومتی دیگری، که با اساسنامه ی حزب کمونیست چین در تضاد و مغایرت کامل قرار دارد اداره میگردد. فرار مغزها بسوی اروپا و امریکای شمالی، که سرمایه قابل اتکای چین است، ادامه دارد. ثروتمندان و صاحبان فوندهای کارتلی در چین، امکانای مادی خویش را در پروسه های آهسته و پیوسته، بکشورهای غربی انتقال داده اند.

نتیجه‌گیریها بعد از جنبش فرهنگی :

۱. در حقیقت حزب کمونیست چین . از ابزاری برای نابودی دگر اندیشان و مخالفان بهره‌برداری کرد و، حزب را که از حل مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی عاجز مانده بود کمک شایانی نموده و ، در این بستر نیروها و مخالفین حزب را تصفیه‌ی تاریخی نمود .

۲. آنهایی که باصطلاح مجرم شناخته شدند، در ملاء عام به جرم های ساختگی و بی اساس وزیر فشار گارد سرخ اعتراف کردند . نویسندگان ، هنرمندان ، شاعران ، متخصصین و موسیقیدانان که از مشی حزب دل خوشی نداشتند بیرحمانه سانسور، بایکوت و مورد نفرت گارد سرخ قرار گرفتند .

۳. پدیده‌ی نوظهور رویزیونیسم ، که در جنبش های کارگری قد علم کرده بود ، خیانت کارانه ارزیابی شد . محافل چینی که مواضع رویزیونیست های روسی را تبلیغ می کردند ، بعنوان نماینده‌گان مستقیم رویزیونیسم در رسانه های گروهی، معرفی شدند .

۴. گویا با ناسیونالیسم که در جنبش کارگری چین رشد کرده بود ، مخالفت های اینجا و آنجا می گردید .

۵. بعدا از انقلاب فرهنگی پلاتفورم ، تاکتیک و استراتژی حزب کمونیست چین ، ترمیم و باز سازی گردید و وعده‌های فراوانی در زمینه های شکوفائی اقتصاد، تکنیک و رفاه اجتماعی به مردم داده شد .

* * * * *

پایان

یک نکته‌ی تاریخی : ایده‌ها و تفکرات مارکسیزم - لنینیسم اکثراً با زبان های چینی ، روسی و آلمانی نوشته شده‌و، در قدم دوم به زبان های انگلیسی، فرانسوی ، اسپانیائی و چکی برگردانده و، در قدم سوم بزبان های عربی ، ترکی و فارسی

ترجمه گردیده و ، بعضاً و در مرحله‌ی چهارم از زبان های عربی ، فارسی و ترکی به زبان کردی ترجمه شده‌اند . آزادیخواهان کردستان ، که سیستم کدهای مغزیشان با " زبان مادری " آرایش نیافته ، ترجمه‌های دست سوم و دست چهارم بدستشان میرسید . البته این ترجمه‌ها با دخالت‌های نا مسئولانه‌ی احزاب شیوعی عراق و سوریه ، حزب توده‌ی ایران و حزب کمونیست ترکیه انجام می گرفت .